

مقایسه‌ی ویژگی‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان پرورشگاهی و ساکن در خانواده بر اساس آزمون اندریافت کودکان

عاده اصلی پور^۱، موسی کافی^۲، مهناز خسروجاوید^۳ و محمد کاظم فخری^۴

چکیده

هدف پژوهش، مقایسه ویژگی‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان پرورشگاهی و ساکن در خانواده بر اساس آزمون اندریافت کودکان بود. پژوهش، علی-مقایسه‌ای و جامعه‌ی آماری، کلیه دانش‌آموزان دختر و پسر پایه‌های اول تا چهارم ابتدایی (سال تحصیلی ۸۸-۸۷) مدارس مناطق محروم و دانش‌آموزان دختر و پسر ۷ تا ۱۰ ساله‌ی ساکن در پرورشگاه شهر رشت است. نمونه شامل ۱۳ دختر و ۴ پسر (۷ تا ۱۰ سال) در هر گروه است. دانش‌آموزان پرورشگاهی به شیوه در دسترس و دانش‌آموزان عادی به روش خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شدند. ابزار پژوهش، آزمون اندریافت کودکان بود. تحلیل آماری براساس آزمون آماری مجذور خی انجام شد. یافته‌ها نشان داد بین کودکان دو گروه در مؤلفه‌های نگرش نسبت به والدین، به ویژه پدر، همانندسازی با خواهر یا برادر، وجود اضطراب، موضوع ترس، روش والدین در آموزش مفاهیم اخلاقی تفاوت معناداری وجود دارد. زندگی در پرورشگاه، تأثیر منفی بر رشد برخی جنبه‌های روان‌شناختی کودکان دارد.

واژه‌های کلیدی: دانش‌آموزان، پرورشگاه، ساکن در خانواده، آزمون اندریافت کودکان

۱. نویسنده‌ی رابط: مدرس گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری (adelehaslipoor@gmail.com)

۲. دانشیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه گیلان

۳. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه گیلان

۴. استادیار گروه روان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد ساری

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۱/۷/۱۲

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۱/۱۰/۳

مقدمه

خانواده^۱، مهم‌ترین عامل در میان عوامل متعددی است که می‌تواند باعث تسهیل رشد شخصیت کودک یا بازداری آن شوند. رشد در اوایل کودکی از طریق عوامل محیطی مانند خانواده، مراقبان، محیط اطراف و فرهنگ تحت تأثیر قرار می‌گیرد (گیاگازوگلو، کولیوسی، سیدیروپولو و فاهانتیدو^۲، ۲۰۱۲). رشد بهینه در کودکان به محرک‌های محیطی حمایتی و رابطه‌ی قوی با مراقبان اولیه مانند والدین بستگی دارد (اسکور^۳، ۲۰۰۱). میزان تأثیر والدین تا حدودی به فراوانی، مدت و شدت و کیفیت تماس‌های اجتماعی آنان با فرزندان‌شان مرتبط است. والدینی که از لحاظ عاطفی به فرزندان خود نزدیک هستند، بیشتر از والدینی که به فرزندان خود نزدیک نیستند و با آنها روابط چندانی ندارند، بر فرزندان تأثیر می‌گذارند. هنگامی که والدین از ازدواج خود راضی هستند، فرزندان بیشتر احساس ایمنی می‌کنند ولی در صورت وجود اختلافات زناشویی، کودکان اغلب دچار اضطراب، پرخاشگری، ناامنی و مشکلات رفتاری می‌گردند (رایس^۴، ۲۰۰۱؛ ترجمه‌ی فروغان، ۱۳۸۶). در هر سال، به علت فشارهای اقتصادی و اجتماعی، والدین، شمار زیادی از کودکان را در جامعه رها می‌کنند و رایج‌ترین شکل مراقبت از کودکان طرد شده در سراسر جهان، مراقبت در پرورشگاه است. مرگ والدین، مشکلات جسمانی و روانی، طلاق والدین، مشکلات خانوادگی و مالی، برخی از مهم‌ترین دلایل سپردن کودکان به پرورشگاه است (زیناه، اسمیک، کوگا و کارلسون^۵، ۲۰۰۵). مطالعات نشان می‌دهد کودکانی که بخش اول زندگی‌شان را در پرورشگاه‌ها یا خانواده‌های نامناسب می‌گذرانند، عمدتاً از محیط‌های حمایت‌کننده محروم

1. family
2. Giagazoglou, Kouliousi, Sidiropoulou & Fahantidou
3. Schore
4. Rice
5. Zeanah, Smyke, Koga & Carlson

هستند و بیشتر در معرض خطر مشکلات رفتاری شامل: بیش‌فعالی، پرخاشگری، رفتارهای ضداجتماعی و مشکلات هیجانی مانند اضطراب، افسردگی و عدم تنظیم هیجانی، و مشکلات جسمانی مانند: کم‌خونی، اختلالات دهان و دندان، و مشکلات پوستی قرار دارند (کیل^۱، ۲۰۱۲؛ لومن و گونار^۲، ۲۰۱۰؛ ایس و فیشر^۳، ۲۰۰۴؛ مک لین^۴، ۲۰۰۳؛ صدیقی، تمنایی، فر و دشتبان‌زاده، ۱۳۹۱، بگیان، درتاج و محمدامینی، ۱۳۹۱؛ و کیلیان، عرب سلمانی و کرامت، ۱۳۹۰؛ بیات، نظری، شاهسواری، میری و نادری فر، ۱۳۸۹). از سوی دیگر، کودکان پرورشگاهی به طور قابل ملاحظه‌ای در زمینه‌های رشدی به ویژه عملکرد در آزمون‌های رفتاری و هوش (ایجنزندرون، لوئیجیک و جافر^۵، ۲۰۰۸) و قابلیت‌های گفتاری (بهرامی، صالحی و پورمومنی، ۱۳۸۲) در مقایسه با کودکان عادی پایین‌تر عمل می‌کنند. تأخیرها در رشد شناختی و سازگاری اجتماعی منجر به بروز مشکلات تحصیلی در سال‌های مدرسه برای این کودکان می‌شود (روی^۶، ۲۰۰۰؛ سلیمانی، زاهد، فرزانه و ستوده، ۱۳۹۰). علاوه بر این، تحقیقات نشان داده است که زندگی در محیط پرورشگاه بر شکل‌گیری دلبستگی به ویژه دلبستگی ایمن، نیز اثر منفی داشته و منجر به دلبستگی نا ایمن در کودکان می‌گردد (نیمن و ویس^۷، ۲۰۱۲؛ دریس، جافر، ایجنزندرون و کرانبرگ^۸، ۲۰۰۹). حتی اگر این کودکان بعد از مدتی سکونت در پرورشگاه، به فرزندخواندگی پذیرفته شوند نیز دچار مشکلاتی مانند: تأخیر در رشد مهارت‌های اجتماعی و بروز رفتارهای اجتنابی خواهند شد (تان، مارفو و ددریک^۹، ۲۰۱۱). زیمسک، ارول، ازتوپ و منیر^{۱۰} (۲۰۰۷) در پژوهش

1. Keil
2. Loman & Gunnar
3. Ellis & Fisher
4. Maclean
5. Ijzendoorn, Luijk & Juffer
6. Roy
7. Niemann & Weiss
8. Dries, Juffer, Ijzendoorn & Kranenburg
9. Tan, Marfo & Dedrick
10. Simsek, Erol, Oztop & Munir

خود با عنوان شیوع و پیش‌بینی مشکلات عاطفی و رفتاری کودکان و نوجوانان پرورش یافته در پرورشگاه در مقایسه با کودکان عادی در ترکیه نشان دادند، عمده‌ترین مشکلات این کودکان در ارتباط با خویشاوندان، همکلاسی‌ها و کارکنان پرورشگاه بوده است. وضعیت روان‌شناختی و شیوه‌ی فرزندپروری نامطلوب والدین عامل سپردن آنها به پرورشگاه است. علاوه بر تأثیری که عدم حضور والدین و زندگی پرورشگاهی بر شکل‌گیری شخصیت و رشد کودکان دارد، تصویر ذهنی آنها را نسبت به خانواده و روابط اعضای آن تغییر می‌دهد و می‌تواند بر سبک زندگی آتی و روابط آنان با دیگران مؤثر باشد. ابزارهای متفاوتی برای سنجش ویژگی‌ها و تشخیص مشکلات کودکان وجود دارد که هر کدام مزایا و معایب خاص خود را دارند. انتخاب ابزار مناسب می‌تواند عنصر کلیدی در رسیدن به اهداف پژوهش باشد. با توجه به اینکه کودکان در سنین ۷ تا ۱۰ سالگی محدودیت‌های فکری خاص خود را دارند و به عبارتی عینی‌اندیشند و احتمال دارد نتوانند شناخت مناسبی از ویژگی‌ها و حالات روانی خود داشته باشند یا نتوانند این شناخت را در قالب یک کل منسجم بیان کنند، به نظر می‌رسد استفاده از روش‌های فرافکن تدبیر مناسب‌تری باشد (لطف‌آبادی، ۱۳۸۵). یکی از ابزارهای کارآمد برای تشخیص ویژگی‌های کودکان و فهم چگونگی ارتباط آنها با مهم‌ترین افراد زندگی و تعارضات شان، آزمون اندریافت کودکان^۱ است. وست^۲ (۱۹۹۸) در پژوهش خود نشان داد که آزمون‌های فرافکن، ابزارهای مناسبی برای متمایز کردن کودکان آشفتگی و پریشان از کودکان عادی است. همچنین آزمون اندریافت کودکان برای بررسی موضوعاتی مانند، اختلالات اضطرابی و ناامیدی در کودکان مبتلا به لوسمی حاد و عادی (شاران، مهتا و چادری^۳، ۱۹۹۵)؛ بررسی مشکلات عاطفی و هیجانی کودکان مبتلا به یبوست مزمن و عادی (لیزبوا، فلیزولا، مارتینز، تاهان و نتو^۴، ۲۰۰۸)؛ مطالعات بین فرهنگی در مورد

1 . Children's Apperception Test

2 . West

3 . Sharan, Mehta & Chaudhry

4 . Lisboa, Felizola, Martins, Tahan & Neto

کودکان ۴ تا ۶ ساله در زمینه شخصیت (کلاین^۱، ۱۹۸۱)؛ مقایسه پرخاشگری، احساس شایستگی، تأیید جنسیت خود، اضطراب و شرمساری برای اعمال پرخاشگرانه و واقع بینی در نگرش نسبت به والدین در کودکان عادی و پرورشگاهی (استیونسون^۲، ۱۹۵۲)؛ تشخیص اختلالات عاطفی کودکان (لطف‌آبادی، ۱۳۶۶) استفاده شده است. از آنجایی که زندگی در شرایط پرورشگاهی می‌تواند تأثیرات عظیمی بر حالات عاطفی و هیجانی کودکان داشته باشد و کودکان را مستعد ابتلا به اختلالات روان‌پزشکی و هیجانی کند، لذا شناسایی ویژگی‌ها و مشکلاتی که در نتیجه زندگی در شرایط پرورشگاهی بر کودکان تحمیل می‌شود می‌تواند راه را برای فراهم کردن زمینه مناسب برای پیشگیری و کاهش اثرات این شرایط فراهم کند. از سوی دیگر، با توجه به این که ممکن است کودکان در بیان مستقیم مشکلات خود مقاومت نشان دهند، لذا روش‌های فراقکن برای ارزیابی مشکلات آنان می‌تواند کارآمدتر باشد (کرمن^۳، ۱۹۶۴؛ ترجمه دادستان و منصور، ۱۳۸۷)، بنابراین در پژوهش حاضر از آزمون اندریافت کودکان استفاده شد. فرضیه پژوهش حاضر این است که بین دانش‌آموزان پرورشگاهی و عادی در پاسخ به این آزمون تفاوت وجود دارد.

روش

پژوهش حاضر از نوع علی - مقایسه‌ای است و ویژگی‌های روان‌شناختی دو گروه از دانش‌آموزان ساکن در خانواده و ساکن در پرورشگاه با هم مقایسه شده است تا اثرات عدم حضور والدین و سکونت در پرورشگاه در شکل‌گیری ویژگی‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان بررسی گردد.

جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری: جامعه‌ی پژوهش حاضر شامل کلیه دانش‌آموزان دختر

و پسر پایه‌های اول تا چهارم ابتدایی مدارس مناطق محروم از نظر وضعیت اجتماعی - اقتصادی خانواده‌ها در شهر رشت است که در سال تحصیلی ۸۸-۱۳۸۷ مشغول به تحصیل بودند. همچنین

1 . Kline
2 . Stevenson
3 . Corman

تمام دانش‌آموزان دختر و پسر ۷ تا ۱۰ سال که در پرورشگاه شهر رشت حداقل به مدت یک سال زندگی کرده‌اند. نمونه‌ی پژوهش شامل ۳۴ دانش‌آموز (۲۶ دختر و ۸ پسر) بود که از این تعداد ۱۳ دختر و ۴ پسر در گروه دانش‌آموزان پرورشگاهی و ۱۳ دختر و ۴ پسر در گروه دانش‌آموزان عادی قرار گرفتند. به دلیل محدود بودن تعداد دانش‌آموزان پرورشگاهی در محدوده‌ی سنی مورد نظر، از تمام دانش‌آموزان در سنین مذکور که جامعه‌ی آماری این گروه را تشکیل می‌دادند، استفاده گردید. برای انتخاب نمونه‌ی عادی از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای استفاده شد، به این صورت که ابتدا از میان مدارس مناطق محروم یک دبستان دخترانه و یک دبستان پسرانه به روش تصادفی انتخاب گردید. سپس از طریق مصاحبه با مدیر هر مدرسه وضعیت خانوادگی دانش‌آموزان بررسی شد تا از میان دانش‌آموزانی که با والدین واقعی خود و در خانواده زندگی می‌کردند و اطلاعات دموگرافیک ایشان (عملکرد تحصیلی، وضعیت اقتصادی، سن، جنس، پایه تحصیلی) مشابه گروه مورد نظر بود، تعداد ۱۷ نفر (۱۳ دختر و ۴ پسر) تصادفی انتخاب شد. این پژوهش با اطلاع سازمان آموزش و پرورش و بهزیستی و با مجوز از سوی دانشگاه گیلان به عنوان طرح تحقیقاتی و با رعایت محرمانه بودن اطلاعات و مشخصات دانش‌آموزان در هر دو گروه، انجام گرفت. برای بررسی و مقایسه ویژگی‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان از آزمون اندریافت کودکان استفاده شد.

آزمون اندریافت کودکان: این آزمون یکی از آزمون‌های فرافکن است که به دست بلاک^۱ با الهام از آزمون اندریافت موضوع بزرگسالان^۲ (TAT) در سال (۱۹۴۹) ساخته شد. این آزمون دارای ده تصویر از حیوانات است که در حالت‌های رفتاری شبیه به رفتار انسان قرار گرفته‌اند. آزمون اندریافت کودکان به منظور تشخیص تلقی کودک از والدین و سایر اعضای خانواده و چگونگی اندریافت کودک از آنان و مسائل روانی در زمینه‌هایی مانند رقابت بین

1. Bellak

2. Thematic Apperception Test

فرزندان، همانندسازی کودک با والدین، نگرش کودک نسبت به مرجع قدرت در خانواده (پدر)، همانندسازی کودک با خواهر و برادر بزرگتر یا کوچکتر، درک کودک از روابط جنسی والدین، ترس از پرخاشگری و میزان اضطراب در کودک، برداشت کودک از نحوه برخورد والدین، ترس از تاریکی، تنهایی و طرد شدن از طرف والدین و نحوه‌ی آموزش مفاهیم اخلاقی و نوع برخورد والدین هنگام بروز خطا از طرف کودک به کار می‌رود. پایایی آزمون‌های فرافکن مانند اندریافت کودکان با سایر آزمون‌ها متفاوت است. به دلیل عدم وجود پاسخ‌های صحیح یا غلط، هر پاسخی که ارائه شود جلوه‌ای از فرافکنی شخصیت و ویژگی‌های روان‌شناختی آزمودنی تلقی می‌شود. از آنجا که شخصیت و ویژگی‌های روان‌شناختی افراد با یکدیگر یکسان و مشابه نیست، نباید انتظار داشته باشیم که پاسخ‌های آنها به محرک‌های یکسان به نتایج یکسانی منتهی شود (بهرامی، ۱۳۸۹). با توجه به رعایت یکسانی دستورالعمل‌ها، شیوه‌ی اجرا و تعداد کارت‌های مورد استفاده در مورد کلیه دانش‌آموزان، مناسب‌ترین روش بررسی و سنجش پایایی، توافق ارزیابی‌ها است (گراث - مارنات^۱، ۱۹۹۷؛ ترجمه پاشاشریفی و نیکخو، ۱۳۸۶) که در پژوهش حاضر، توافق ارزیابی‌ها در مورد تفسیر کلیه‌ی کارت‌ها ۰/۹۰ بوده است. کلاین (۱۹۸۱)، استیونسون (۱۹۵۲)، لطف آبادی (۱۳۶۶) و سلطانی (۱۳۸۶) نیز روایی این آزمون را در پژوهش‌های خود، برای ارزیابی شخصیت و تشخیص اختلالات عاطفی کودکان عنوان کرده‌اند.

روش اجرا: اجرای آزمون برای هر دو گروه دانش‌آموزان پرورشگاهی و عادی به شکل فردی بود، به این طریق که پس از آمدن دانش‌آموزان در اتاق آزمون، کارت‌های آزمون یکی یکی در اختیار آزمودنی‌ها قرار گرفت و از آزمودنی‌ها خواسته شد تا در مورد هر کارتی که به آنها ارائه می‌گردد، داستانی را بیان کنند. داستان‌ها مطابق با گفته‌های آزمودنی‌ها یادداشت شد و سپس براساس موارد سنجیده شده از طریق هر کارت بررسی گردید. تجزیه و تحلیل آماری داده‌ها بر اساس آزمون آماری مجذور خی و آزمون دقیق فیشر انجام شد.

1. Groth- Marnat

نتایج

اطلاعات جمعیت‌شناختی دانش‌آموزان پرورشگاهی و ساکن در خانواده (عادی) به صورت آمار توصیفی در جداول ۱ و ۲ ارائه شده است. با توجه به جدول ۱، میانگین و انحراف معیار سنی دختران ($M=۸/۳۸$ و $SD=۱/۰۹$) و پسران ($M=۹/۵$ و $SD=۰/۹۲$) است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار سن دانش‌آموزان پرورشگاهی و ساکن در خانواده

جنسیت	M	SD	N
دختر	۸/۳۸	۱/۰۹	۲۶
پسر	۹/۵	۰/۹۲	۸

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، پدر اکثر دانش‌آموزان پرورشگاهی بیکار و تحصیلات آنها در حد راهنمایی است و پدر اکثر دانش‌آموزان عادی کارگر و تحصیلات آنها در حد دبیرستان است. تحصیلات مادر اکثر دانش‌آموزان پرورشگاهی در حد ابتدایی و دانش‌آموزان عادی در حد راهنمایی و شغل مادر دانش‌آموزان هر دو گروه خانه دار بوده است.

به منظور مقایسه‌ی پاسخ‌های دانش‌آموزان پرورشگاهی و عادی به آزمون اندریافت کودکان از آزمون غیرپارامتریک مجذور خی و توزیع فراوانی و نسبت استفاده گردید. همانگونه که جدول ۳ نشان می‌دهد در زمینه‌های نگرش کودک نسبت به پدر، همانندسازی با خواهر یا برادر کوچکتر یا بزرگتر، ترس از پرخاشگری و وجود اضطراب در کودک، نگرش نسبت به والدین، موضوع ترس در کودک، روش والدین در مورد آموزش مفاهیم اخلاقی بین دانش‌آموزان دو گروه پرورشگاهی و عادی تفاوت معنادار است و در زمینه‌های همانندسازی با والدین، رقابت با خواهر و برادر و آگاهی از روابط جنسی والدین تفاوت بین دو گروه معنادار نیست.

جدول ۲. فراوانی و درصد متغیرهای شغل و تحصیلات والدین دانش‌آموزان پرورشگاهی و ساکن در خانواده

متغیر	دانش‌آموزان پرورشگاهی		دانش‌آموزان ساکن در خانواده	
	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
بیکار	۷	۴۱/۲	۳	۱۷/۶
شغل پدر	۶	۳۵/۳	۸	۴۷
آزاد	۴	۲۳/۵	۶	۳۵/۴
شغل مادر	۱۷	۱۰۰	۱۷	۱۰۰
خانه‌دار	۱۷	۱۰۰	۱۷	۱۰۰
ابتدایی	۵	۳۰	۲	۱۱/۵
تحصیلات پدر	۱۰	۵۹	۴	۲۳/۵
راهنمایی	۱۰	۵۹	۴	۲۳/۵
دیپلومات	۲	۱۱	۱۱	۶۴
دیپلومات	۲	۱۱	۱۱	۶۴
ابتدایی	۹	۵۳	۴	۲۴
تحصیلات مادر	۵	۳۰	۸	۴۷
راهنمایی	۵	۳۰	۸	۴۷
دیپلومات	۳	۱۷	۵	۳۰
دیپلومات	۳	۱۷	۵	۳۰

جدول ۳. مقایسه فراوانی، نسبت، نتایج آزمون مجذور خی و آزمون معناداری Exact, P در پاسخ‌های دانش‌آموزان پرورشگاهی و ساکن در خانواده به آزمون اندریافت کودکان

موضوع کارت‌هایی آزمون	دانش‌آموزان پرورشگاهی		دانش‌آموزان عادی		Df	نسبت	نسبت	سطح معناداری
	فراوانی	نسبت	فراوانی	نسبت				
وجود رقابت با خواهر و برادر	۱۳	۰/۷۶	۱۴	۰/۸۲	۱	۰/۱۸۰	E=۱	
هماندسازی کردن با والدین	۹	۰/۵۳	۱۳	۰/۷۶	۱	۲/۰۶۱	p=۰/۱۵۱	
نگرش کودک نسبت به پدر	۶	۰/۳۵	۱۲	۰/۷۰	۱	۴/۲۵۰	*p=۰/۰۳۹	
	۱۱	۰/۶۵	۵	۰/۳۰				
هماندسازی با خواهر یا برادر	۷	۰/۴۲	۱۳	۰/۷۶	۱	۴/۳۷۱	*p = ۰/۰۳۷	
	۱۰	۰/۵۸	۴	۰/۲۴				
آگاهی از روابط جنسی والدین	۱۱	۰/۶۵	۱۳	۰/۷۶	۱	۰/۵۶۷	p=۰/۴۵۲	
وجود اضطراب در کودک								
نگرش نسبت به والدین	مهربان	۲	۰/۱۲	-	-			
	پنددهنده	۵	۰/۳۰	۱۲	۰/۷۰	۲	۶/۵۴۹	
	تبیه‌کننده	۱۰	۰/۵۸	۵	۰/۳۰			
موضوع ترس در کودک	ترد شدن	۴	۰/۲۳	۱۲	۰/۷۰			
	تنهایی	۱۲	۰/۷۰	۴	۰/۲۳	۲	۸	
	تاریکی	۱	۰/۰۷	۱	۰/۰۷			
روش والدین در آموزش	با ملامت	۴	۰/۲۴	۱۱	۰/۶۵	۱	۵/۸۴۶	
	با تنبیه	۱۳	۰/۷۶	۶	۰/۳۵			

* p < ۰/۰۵ معنادار است

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی و مقایسه ویژگی‌های روان‌شناختی دانش‌آموزان پرورشگاهی با دانش‌آموزان ساکن در خانواده بر اساس آزمون اندریافت کودکان اجرا شد. همان‌طور که انتظار می‌رفت بین پاسخ‌های دانش‌آموزان پرورشگاهی و عادی به آزمون اندریافت کودکان تفاوت معناداری مشاهده شد. به استثناء مؤلفه‌های همانندسازی با والدین، رقابت با خواهر و برادر و آگاهی از روابط جنسی والدین در سایر مؤلفه‌های آزمون بین پاسخ‌های دانش‌آموزان پرورشگاهی و عادی تفاوت معناداری وجود داشت. به این معنی که دانش‌آموزان پرورشگاهی در زمینه‌هایی چون نگرش کودک نسبت به پدر، همانندسازی با خواهر یا برادر کوچکتر یا بزرگتر، ترس از پرخاشگری و وجود اضطراب در کودک، نگرش نسبت به والدین، موضوع ترس در کودک، روش والدین در مورد آموزش مفاهیم اخلاقی مشکلات بیشتری را نسبت به دانش‌آموزان عادی نشان دادند. اکثر والدین دانش‌آموزان پرورشگاهی، به علت اینکه با مشکلاتی مانند اعتیاد، تعارضات خانوادگی، بیکاری، مشکلات شخصیتی و اختلالات روانی مواجه بودند، از کودکان خویش غافل شده و یا تماس کمی برقرار می‌کردند، همواره از تنبیه و خشونت به عنوان اولین و مهم‌ترین راه آموزش مفاهیم اخلاقی و یا در برخورد با اشتباهات رفتاری آنان استفاده می‌کردند (شمس اسفندآبادی، صدرالسادات و امامی‌پور، ۱۳۸۳؛ کوهی، ۱۳۸۲)، لذا برداشت این دانش‌آموزان از والدین خویش به ویژه پدر، مثبت و خوشایند نیست و آنان را تنبیه‌کننده، خشن و سخت‌گیر می‌دانند. همچنین در مصاحبه‌های به عمل آمده حین آزمون، زندگی در مراکز شبانه‌روزی را به نوعی تنبیه از طرف والدین به خاطر رفتارهای ناپسند خود می‌دانستند. از آنجایی که علت اصلی اضطراب در کودکان، فقدان شرایط صمیمانه و محبت‌آمیز به خصوص در محیط خانواده و وجود رفتار خشونت‌آمیز توأم با بی‌مهری و عناد نسبت به کودک است و این شرایط در زندگی گذشته دانش‌آموزان پرورشگاهی وجود داشته است، لذا وجود اضطراب در این کودکان بیشتر از دانش‌آموزان عادی است که با پژوهش‌های لومن و گونار (۲۰۱۰) الیس و

فیشر (۲۰۰۴)، مجتهدزاده و نیسی (۱۳۸۷)، کاهنی، حسن آبادی و سعادتجو (۱۳۷۹) همخوانی دارد. علاوه بر زندگی سخت گذشته، شرایط پرورشگاه نیز مشکلات رفتاری، جسمانی، روانی و تضعیف مهارت‌های کلامی و اجتماعی را به بار می‌آورد و دانش‌آموزان پرورشگاهی را در برقراری روابط با همسالان و مربیان در پرورشگاه دچار مشکل می‌کند (کیل، ۲۰۱۲؛ وکیلان، عرب‌سلمانی و کرامت، ۱۳۹۰؛ بیات، نظری، شاهسواری، میری و نادری فر، ۱۳۸۹) و این دانش‌آموزان را، که به دلیل عدم تمایل والدین و خویشاوندان در نگهداری از آنها به پرورشگاه سپرده شدند، بیش از پیش در مورد تنها ماندن خود نگران می‌کند. از آنجایی که کودکان کوچکتر از محبوبیت زیادتری در خانواده‌ها برخوردارند و دانش‌آموزان پرورشگاهی پژوهش حاضر در سنین پایین‌تر هنوز در خانواده بودند، لذا از طریق همانندسازی با فرزندان کوچکتر به نوعی گذشته خویش را تداعی می‌کنند. در حالی که دانش‌آموزان عادی می‌خواهند به موقعیت مستقل کودکان بزرگتر در خانواده دست یابند. عدم وجود تفاوت معنادار در مؤلفه‌های همانندسازی با والدین، رقابت با خواهر و برادر و آگاهی از روابط جنسی والدین در پژوهش حاضر، به این دلیل است که اکثر دانش‌آموزان پرورشگاهی نیز مانند دانش‌آموزان عادی (ساکن در خانواده) با وجود دور بودن از والدین و زندگی نکردن به همراه آنان و سخت‌گیر و تنبیه‌کننده دانستن والدین، در محدوده سنی فعلی که در آن قرار دارند (۷ تا ۱۰ سال)، می‌خواهند از بزرگترها یا والدین خود (عمدتاً مادر) تقلید کنند و اعمال مفید انجام دهند تا تأیید و توجه والدین را به سمت خود جلب کنند. تحقیر و تمسخر کودکان از طرف والدین در سنین مذکور منجر به احساس خود کم‌بینی و نابهنجاری رفتاری در کودکان می‌گردد (گنجی، ۱۳۸۸). دانش‌آموزان پرورشگاهی در پژوهش، همراه با یکی از خواهر یا برادرانشان به پرورشگاه سپرده شده‌اند، لذا تجربه‌ی ارتباط با خواهر و برادر بعد از سپرده شدن به پرورشگاه، در میان این کودکان دیده می‌شود. البته این امر می‌تواند به نفع دانش‌آموزان پرورشگاهی باشد، زیرا پژوهش‌ها نشان داده است که تعاملات کودک با خواهر و برادر برای رشد رفتارهای اجتماعی، سلامت روانی و

عملکرد تحصیلی الزامی است و کودکان قبل از ارتباط با همسالان بسیاری از رفتارها را از خواهر و برادر خود آموخته و انجام می‌دهند، لذا حضور خواهر و برادر همراه کودک و یا امکان برقراری تماس با خواهر یا برادری که به مراکز نگهداری سپرده نشده‌اند، می‌تواند اثرات منفی زندگی در پرورشگاه را کاهش دهد (سیان، پودل، یاسوکا و پالمر^۱، ۲۰۱۲؛ لوندستروم و سالنس^۲، ۲۰۱۲؛ استافچر و دهارت^۳، ۲۰۰۶؛ هریک و پیکاس^۴، ۲۰۰۵؛ لترز^۵، ۲۰۰۵). آگاهی کودکان در مورد تفاوت‌های بین دو جنسیت، روابط جنسی و نوع روابط میان والدین، بیشتر تابع رشد جسمی و شناختی آنهاست و یا از طریق همسالان و کودکان بزرگتر از خود کسب می‌شود بنابراین فقدان یا حضور والدین تأثیر زیادی بر میزان اطلاعات کودکان ندارد. از طرفی بسیاری از والدین مسئولیت خود را در زمینه آموزش جنسی به کودکان مطابق با سن آنها به دلیل شرم از صحبت در مورد مسائل جنسی، نداشتن اطلاعات کافی و ترس از انحراف کودکان، نپذیرفته‌اند (لارسون و اسودین^۶، ۲۰۰۲؛ سامرز و پائولسون^۷، ۲۰۰۰)، لذا با نزدیک شدن کودکان به سنین بلوغ و نوجوانی، اشتغال ذهنی آنها در مورد روابط بین دو جنس بیشتر می‌گردد (رایس، ۲۰۰۱؛ ترجمه فروغان، ۱۳۸۶). بنابراین دانش‌آموزان پرورشگاهی نیز همانند دانش‌آموزان عادی اطلاعات خود را از همسالان و کودکان بزرگتر در محیط پرورشگاه به دست می‌آورند و تفاوت معناداری بین دو گروه دیده نشد. جدایی و دوری از والدین و خانواده برای مدت کوتاه، اضطراب زاست و اگر جدایی ادامه یابد تجربه‌ای مخرب و جبران‌ناپذیر است. زندگی در پرورشگاه بر جنبه‌های مختلف رشد کودکان اثر منفی دارد. به‌طور کلی حضور والدین، سلامت روانی، تحصیلات و میزان آگاهی

1. Siyan, Poudel, Yasuoka & Palmer
2. Lundström & Sallnäs
3. Stauffacher & DeHart
4. Herrick & Piccus
5. Leathers
6. Larsson & Svedin
7. Somers & Paulson

از شیوه‌های صحیح تربیت فرزند، شغل و درآمد آنان بر رشد شخصیت کودک و ویژگی‌های عاطفی و رفتاری آنان تأثیر می‌گذارد. در این پژوهش نیز مانند تمام پژوهش‌هایی که بر روی کودکان اجرا می‌گردد، مشکل برقراری ارتباط با کودکان و حفظ تمرکز آنان در طول اجرای آزمون به‌ویژه در مورد دانش‌آموزان پرورشگاهی مطرح بود. انتخاب دانش‌آموزان پرورشگاهی به شیوه‌ی دردسترس به دلیل محدود بودن تعداد آنها و استفاده از آزمون فرافکن (اندریافت کودکان) به دلیل پایین بودن پایایی، فقدان هنجار مناسب و تکیه نتایج حاصل از آن به تجارب بالینی آزمونگر و احتمال سوگیری، باعث شده تا نتایج کار قابلیت تعمیم به غیر از نمونه پژوهش را نداشته باشد. پیشنهاد می‌شود آزمون اندریافت کودکان در بین کودکان پرورشگاهی و عادی سنین ۳ تا ۷ سال و دانش‌آموزان سنین ۷ تا ۱۰ سال و بین کودکان طبقات مختلف اجتماعی در حالی که محدودیت‌های ذکر شده را نداشته و قابلیت تعمیم نتایج حاصله وجود داشته باشد اجرا گردد.

منابع

- بگیان کوله‌مرز، محمدجواد؛ درتاج، فریبرز و محمدامینی، مهدی (۱۳۹۱). مقایسه ناگویی خلقی و کنترل عواطف در مادران دانش‌آموزان با و بدون ناتوانی یادگیری. *مجله‌ی ناتوانی یادگیری*، ۲(۲)، ۱۹-۶.
- بهرامی، هادی (۱۳۸۹). کاربرد بالینی و تشخیصی آزمون‌های فرافکن شخصیت. چاپ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی.
- بهرامی، اکبر؛ صالحی، فرانک و پورمومنی، عباسعلی (۱۳۸۲). مقایسه‌ی قابلیت‌های گفتاری کودکان پرورشگاهی با کودکان مهد کودک شهر اصفهان. *پژوهش در علوم پزشکی*، ۸، ۱۰۷-۱۰۹.
- بیات، محبوبه؛ نظری، محبوبه؛ شاهسواری، آرزو؛ میری، مجید و نادری فر، مهین (۱۳۸۹). اختلالات جسمی کودکان ۷-۱۱ ساله ساکن مراکز نگهداری شبانه روزی تهران. *نشریه‌ی پرستاری ایران*، ۲۳ (۶۳)، ۸-۱۷.
- رایس، فیلیپ (۲۰۰۱). *رشد انسان*. ترجمه‌ی مهشید فروغان (۱۳۸۶). چاپ اول، تهران: انتشارات ارجمند.

- سلطانی، لیلا (۱۳۸۶). بررسی پاسخ‌های رایج کودکان ۳ تا ۶ ساله مهدکودک‌های اصفهان به آزمون اندریافت کودکان. پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی.
- سلیمانی، اسماعیل؛ زاهدبابلان، عادل؛ فرزانه، جبرائیل و ستوده، محمدباقر (۱۳۹۰). مقایسه نارسایی هیجانی و مهارت اجتماعی دانش‌آموزان دارای اختلال یادگیری و بهنجار. *مجله‌ی ناتوانی‌های یادگیری*، ۱(۱)، ۷۸-۹۳.
- شمس اسفندآبادی، حسن؛ صدرالسادات، جلال و امامی‌پور، سوزان (۱۳۸۳). شناسایی اختلالات رفتاری در کودکان دارای پدر معتاد. *توانبخشی*، ۵(۱-۲)، ۳۲-۳۸.
- صدیقی‌ارفعی، فریبرز؛ تمنایی‌فر، محمدرضا و دشتبان‌زاده، سمیه (۱۳۹۱). مقایسه‌ی کودکان با و بدون اختلالات یادگیری در آزمون دیداری - حرکتی بندر گشتالت. *مجله‌ی ناتوانی‌های یادگیری*، ۱(۲)، ۷۸-۹۱.
- کاهنی، سیما؛ حسن آبادی، محسن و سعادت‌جو، علیرضا (۱۳۷۹). بررسی اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و بزهکاری نوجوانان گروه سنی ۱۲ - ۱۹ سال در خانواده‌های گسسته و پیوسته. *مجله اسرار*، ۴، ۲۸-۲۲.
- کرمن، لوئیس (۱۹۶۴). نقاشی کودکان (کاربرد ترسیم خانواده در کلینیک). ترجمه‌ی پریخ دادستان و محمود منصور (۱۳۸۷)، چاپ پنجم، تهران: انتشارات رشد.
- کوهی، لیلا (۱۳۸۲). بررسی مقایسه‌ای وضعیت روان‌شناختی کودکان دارای پدر معتاد و کودکان با پدر غیر معتاد. *رفاه اجتماعی*، ۳(۹)، ۲۹۵-۳۰۵.
- گراث مارنات، گری (۱۹۹۷). راهنمای سنجش روانی. ترجمه‌ی حسن پاشاشریفی و محمدرضا نیکخو (۱۳۸۶)، چاپ دوم، تهران: انتشارات سخن.
- گنجی، حمزه (۱۳۸۸). بهداشت روانی. چاپ دوازدهم، تهران: انتشارات ارسباران.
- لطف آبادی، حسین (۱۳۶۶). کاربرد آزمون اندریافت کودکان در تشخیص اختلالات عاطفی آنان. *مجله‌ی دانشکده‌ی علوم انسانی مشهد*، ۳ و ۴، ۵۴۸-۵۰۵.
- لطف آبادی، حسین (۱۳۸۵). آزمون روانی شناختی کودکان (بندرگشتالت و اندریافت کودکان) برای مشاوره‌ی کودک. چاپ هشتم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.

مجتهدزاده، فاطمه‌السادات و نیسی، عبدالکازم (۱۳۸۷). مقایسه‌ی اضطراب، افسردگی، پرخاشگری و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دارای ناپدری، نامادری و پدر و مادر واقعی شهرستان اهواز. یافته‌های نو در روان‌شناسی، ۲(۶)، ۱۷-۷.

وکیلان، کتایون؛ عرب سلمانی، معصومه و کرامت، افسانه (۱۳۹۰). بررسی شیوع آنمی در کودکان پرورشگاهی و ارتباط آن با متغیرهای دموگرافیک آنان. پژوهش پرستاری، ۶(۲۳)، ۵۷-۵۱.

Dries, L., Juffer, F., Ijzendoorn, M., & Kranenburg, M. (2009). Fostering Security? A meta-analysis of attachment in adopted children. *Children and Youth Services Review*, 31, 410-421.

Ellis, B. H., Fisher, P. A. (2004). Predictors of disruptive behavior, developmental delays, anxiety, and affective symptomatology among institutionally reared Romanian children. *Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry*, 43(10), 1283-1292.

Giagazoglou, P., Kouliouisi, Ch., Sidiropoulou, M. & Fahantidou, A. (2012). The effect of institutionalization on psychomotor development of preschool aged children. *Research in Developmental Disabilities*, 33, 964- 970.

Ijzendoorn, M. H., Luijk, M. P. C. M. & Juffer, F. (2008). Detrimental effects on cognitive development of growing up in children's homes: A meta-analysis on IQ in orphanages. *Merrill-Palmer Quarterly*, 54, 341-366.

Keil, M. (2012). A Prospective Study of Growth and Development of Children Recently Adopted From Orphanage Care. *Pediatric Endocrinology Nursing society*.

Kline, P. (1981). The responses of Thai and British children to the children's apperception test. *The Journal Of Social Psychology*, 113, 137-138.

Herrick, M. A. & Piccus, W. (2005). Sibling connections: The importance of nurturing sibling bonds in the foster care system. *Children and Youth Services Review*, 27(7), 845-861.

Larsson, I. & Svedin, C.G. (2002). Teachers' and parents' reports on 3- to 6-year-old children's sexual behavior—a comparison. *Child Abuse & Neglect*, 26(3) , 247-266.

Leathers, S.J.(2005). Separation from siblings: Associations with placement adaptation and outcomes among adolescents in long-term foster care. *Children and Youth Services Review*, 27(7) , 793-819.

Lisboa, A., Felizola, M., Martins, L., Tahan, S. & Neto, U. (2008). Aggressiveness and Hostility in the Family Environment and Chronic Constipation in Children. *Digestive Diseases and Sciences*, 53(9) , 2458-2463.

Loman, M., & Gunnar, M. (2010). Early experience and the development of stress reactivity and regulation in children. *Neuroscience and Biobehavioral Reviews*, 34, 867-87.

Lundstrom, T. & Sallnas, M. (2012). Sibling contact among Swedish children in foster and residential care—Out of home care in a family service system. *Children and Youth Services Review*, 34(2) , 396-402.

- Maclean, K. (2003). The impact of institutionalizing on child development. *Development and Psychopathology*, 15, 853–884.
- Niemann, S. & Weiss, S. (2012). Factors affecting attachment in international adoptees at 6 months post adaption. *Children and Youth services Review*, 34, 205-212.
- Roy, P. (2000). Institutional care: Risk from family background or pattern of rearing. *Journal of Child Psychology and Psychiatry and Allied Disciplines*, 41(2), 139–149.
- Schore, A. N. (2001). Effects of a secure attachment relationship on right brain development, affect regulation, and infant mental health. *Infant Mental Health Journal*, 22(1-2), 7–66.
- Sharan, P., Mehta, M. & Chaudhry, V. (1995). Coping and adaptation in acute lymphoblastic leukemia. *Indian Journal of Pe Statistical universe diatrics*, 62(4), 467-471.
- Siyan, Y., Poudel, K. C., Yasuoka, J. & Palmer, P.H. (2012). Sibling care, school performance, and depression among adolescent caretakers in Cambodia. *Asian Journal of Psychiatry*, 5(2), 132-136.
- Simsek, Z., Erol, N., Oztop, D. & Munir, K. (2007). Prevalence and predictors of emotional and behavioral problems reported by teachers among institutionally reared children and adolescents in Turkish orphanages compared with community controls. *Children and Youth Services Review*, 29, 883- 899.
- Somers, CH. & Paulson, SH. (2000). Students' perceptions of parent–adolescent closeness and communication about sexuality: relations with sexual knowledge, attitudes, and behaviors. *Journal of Adolescence*, 23(5), 629-644.
- Stauffer, K. & DeHart, G. B. (2006). Crossing social contexts: Relational aggression between siblings and friends during early and middle childhood. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 27(3), 228-240.
- Stevenson, M. (1952). Some emotional problems of orphanage children. Canadian. *Journal Of Psychology*, 6, 179- 182.
- Tan, T., Marfo, K. & Dedrick, R. (2010). Early developmental and psychosocial risks and longitudinal behavioral adjustment outcomes for preschool-age girls adopted from china. *Journal of Applied Developmental Psychology*, 31, 306-314.
- West. M. (1998). Meta-analysis of studies assessing the efficacy of projective techniques in discriminating child sexual abuse. *Child Abuse & Neglect*, 22(11), 1151-1166.
- Zeanah, C. H., Smyke, A. T., Koga, S. F. M. & Carlson, E. (2005). Attachment in institutionalized and non-instituti onalized Romanian children. *Child Development*, 76 (5), 1015–1028.

Applying Apperception Test to Comparing psychological characteristics of foster students and normal in families

A. Aslipoor¹, M. Kafie², M. Khosrojauid³ & M. K. Fakhri⁴

Abstract

The purpose of this study was to compare psychological characteristics of foster students with those living in families based on Apperception Test. Research design was causal-comparative and the statistical universe consisted of all female and male students in first to fourth grades at primary schools (academic year 1387- 88) in deprived areas and all students of 7 to 10 years living in the orphanage in Rasht. The sample group included 13 girls and 4 boys (7 to 10 years old) assigned in foster and natural group. Foster students were selected by available method and normal students were selected by multi stage sampling. The research tool was children's Apperception Test. Statistical analysis was performed based on Chi Square test. The results showed significant differences between foster and normal children in attitude toward parents specific father, identification with sibling, anxiety, fear, moral concept training by parents. Life in the orphanage has a negative impact on some aspects of psychological growth of children.

Key words: students, orphanage, living in family, children's apperception test

1 . Corresponding Author: Teacher of Psychology Islamic Azad University of Sari (aselehaslipoor@gamil.com)

2 . Associate of psychology, University of Guilan

3 . Assistant professor of psychology, University of Guilan

4 . Assistant professor of psychology, Islamic Azad University of Sari